



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



سماۃ حدیثہ
 صاحب کرامتی اصنام ہمدانی رحمۃ اللہ علیہ / صاحب کرامتی اصنام حسین ہمدانی رحمۃ اللہ علیہ

ترجیسیں
 صاحب کرامتی اصنام ہمدانی رحمۃ اللہ علیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زنان اسوه (۱۶) سمانه مادر گرامی امام هادی، حدیثه مادر گرامی امام حسن عسکری، نرجس مادر گرامی امام زمان علیهم السلام

نویسنده:

بهاء الدین قهرمانی نژاد

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	زنان اسوه (۱۶) سمانه مادر گرامی امام هادی، حدیثه مادر گرامی امام حسن عسکری، نرجس مادر گرامی امام زمان علیهم السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	دبیاچه
۱۵	مقدمه
۱۷	فصل اول: حضرت سمانه (علیها السلام)
۱۷	اشاره
۱۹	نام و نسب
۲۳	چگونگی ازدواج با امام جواد (ع)
۲۷	تولد هادی امت
۳۱	فرزندان دیگر حضرت سمانه (علیها السلام)
۳۷	رخدادهای مهم دوره زندگی حضرت سمانه (علیها السلام)
۴۱	جایگاه معنوی حضرت سمانه (علیها السلام)
۴۱	اشاره
۴۲	مقام طهارت روحی و معنوی
۴۴	ولایت پذیری
۴۵	مقام قنوت
۴۷	توصیف امام هادی (ع) از مقام مادرش
۵۱	فصل دوم: حضرت حدیثه (علیها السلام)
۵۱	اشاره
۵۳	نام و نسب
۵۹	ازدواج با برکت

۶۳	تحمل شائد و همراهی با حجت خداوند
۶۵	داغ هجران
۶۷	در طریق ولایت
۷۱	جزء صالحات قانتات
۷۳	فصل سوم: حضرت نرجس خاتون (علیها السلام)
۷۳	اشاره
۷۵	معرفی نرجس خاتون (علیها السلام)
۸۱	حدیث وصلت
۸۷	پایان انتظار
۹۱	وصال سرنوشت ساز
۹۵	شب موعود
۹۹	حدیث هجران
۱۰۳	کتابنامه
۱۰۸	درباره مرکز

زنان اسوه (۱۶) سمانه مادر گرامی امام هادی، حدیثه مادر گرامی امام حسن عسکری، نجس مادر گرامی امام زمان علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: قهرمانی نژاد شائق، بهاء‌الدین، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: سمانه علیهاالسلام: مادر گرامی امام هادی علیه السلام/بهاء‌الدین قهرمانی نژاد.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۴۷ ص. ۹۴×۱۹/۵ س م.

فروست: زنان اسوه؛ ۱۰.

شابک: ۴۰۰۰ ریال: ۷-۲۶۷-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه:ص.۴۳-۴۷.

موضوع: ام الفضل

رده بندی کنگره: BP۵۲/۲/الف ۶۷ ق ۹ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۱۰۲۰۷

ص: ۱

اشاره

ص: ۷

دبیاچه

سعادت واقعی انسان و شرط پویایی جوامع بشری در سایه شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیای الهی به ویژه اهل بیت خاندان وحی (علیهم السلام) به عنوان متقن ترین آموزه های تربیتی و اساسی ترین مؤلفه در فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت های زندگی آنان و بهره گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می تواند زمینه های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد، از این رو پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست وجو در احوال خاندان پاک نبوت که در دامان پر مهر آنان کامل ترین انسان ها پرورش یافته اند به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

ص: ۸

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود برای ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت (علیهم السلام) به شرح حال عده ای از مردان و زنان انسان ساز اقدام کرده است که این اثر، شرح حال بانوان گرامی اسلام، سمانه، مادر امام هادی (ع)، حدیثه مادر امام عسکری (ع) و نرجس خاتون مادر آخرین حجت الهی حضرت ولی عصر (عج) است.

در پایان مرکز تحقیقات لازم می داند که از تلاش پژوهشگر محترم آقای بهاءالدین قهرمانی نژاد شائق و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش نموده اند، سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

مقدمه

آشنایی با زندگی زنان برگزیده و صالح در طول تاریخ، تأثیر مهمی در الگوپذیری انسان‌ها دارد؛ زیرا هدف اصلی آفرینش انسان، رسیدن به بالاترین درجات تکامل روحی و معنوی است و این امر بدون بندگی خداوند متعال، محقق نمی‌شود. لازمه بندگی و رسیدن به قرب الهی نیز هدایت خداوند است که انبیا و برگزیدگان خداوند، این مهم را برعهده گرفته و ضمن ابلاغ دعوت حق تعالی به مردم، در مقام الگویی کامل، با عمل و نحوه زندگی و همچنین شیوه تعامل با افراد، تأثیرات شگرفی بر جوامع انسانی گذاشته‌اند.

یکی از پژوهش‌های مغفول در عرصه الگوپذیری و انسان‌های الگو، بررسی زندگی همسران و مادران امامان معصوم (علیهم السلام) است که چندان توجهی به آن نشده

ص: ۱۰

است. به منظور احیای این گونه پژوهش‌ها، در این کتاب کوشیده ایم به صورت گذرا و فشرده به زوایایی از زندگانی سه تن از مادران گرامی امامان معصوم، سمانه مادر امام جواد، حدیثه مادر امام عسکری و نرجس خاتون مادر امام زمان (علیهم السلام) پردازیم. امید است که چراغی فروزان بر سر راه حق مداران باشد.

ص: ۱۱

فصل اول: حضرت سمانه (علیها السلام)

اشاره

ص: ۱۳

نام و نسب

بیشتر مورخان نام این بانوی بزرگ را «سمانه» دانسته اند. (۱) در منابع تاریخی، روایی، کلامی و فقهی که درباره مادر امام هادی (ع) سخن رفته است، تصریح گردیده که «أُمُّ وَلَدٍ، يقال لها سمانه»؛ یعنی مادر امام ابوالحسن الهادی (ع)، کنیزی بود که به وی سمانه می گفتند.

در وجه تسمیه و ریشه لغوی واژه سمانه، آنچه که از منابع لغوی به دست آمد (۲)، از تناسب ظاهری و برخورداری از جسمی مناسب و متعادل که متناسب با

-
- ۱- اصول کافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۴۹۸؛ الهدایه الکبری، ابوالحسن بن حمدان الخصیبی، ص ۳۱۳؛ دلائل الامامه، محمد بن جریر الطبری الامامی، ص ۴۱۰؛ سر السلسله العلویه، ابونصر بخاری، ص ۳۸.
- ۲- ر. ک: لسان المیزان، ابن منظور زبیدی، ماده سَمَن، سِمان.

ص: ۱۴

روح متعالی آن بانوست، حکایت دارد.

در برخی منابع همچون «عیون اخبار الرضا (ع)» (۱) شیخ صدوق و نیز «احتجاج» (۲) طبرسی، نام مادر امام هادی (ع) «سوسن» ذکر شده است (۳) که درست نیست. به نظر می‌رسد منشأ این اشتباه دو چیز باشد؛ نخست آنکه هرچند پیشوای یازدهم به لقب عسکری مشهور می‌باشد، امّا این لقب برای امام دهم نیز ذکر شده است و از آنجا که «سوسن» از نام‌های مادر امام یازدهم بوده، به دلیل همسانی لقب این دو امام، به اشتباه برای مادر امام دهم نیز قید گردیده است.

دومین نکته‌ای که این احتمال را تقویت می‌کند، بروز اشتباهاتی است که از روزگار گذشته در تصحیف و مقابله و چاپ نسخه‌های خطی رایج بوده است. علاوه بر این، مستند ارجاع شیخ صدوق نیز که پس از پدر خویش، ابن بابویه قمی (م ۳۲۱. ق) و کلینی (م ۳۲۹. ق) می‌زیسته است، مشخص نیست و طبعاً صاحب احتجاج نیز به نقل صدوق (قدس سره) عنایت

۱- عیون اخبار الرضا (ع)، ابو جعفر حسین بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، ج ۱، ص ۴۱.

۲- الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، ص ۳۷۴.

۳- به نظر می‌رسد واژه‌هایی چون سوسن و مانند آن وصف باشد، چون نام عربی خالص نیست و این خود، یکی از دلایل تقویت نظر مشهور است.

ص: ۱۵

داشته است. بنابراین و با توجه به نقل بیشتر منابع، باید سمانه را نام مبارک این مادر عالی مقام، با قید ارجحیت دانست. بیشتر بزرگان نیز از متقدمین و متأخرین همین نظر را پذیرفته اند که از آن جمله می توان به مولی صالح مازندرانی (۱) و ثقه الاسلام محدث قمی (۲) اشاره نمود.

علاوه بر نام های متعددی که برای این بانو ذکر شده است، القابی چون «منفرشه»، «المغریه» (۳)، «ام الفضل» (۴) و «سیده» (۵) نیز به آن بانو داده اند که همگی حاکی از تعالی روحی وی می باشد.

نام سمانه، در میان علویان و سادات رواج داشته و به دست ایشان ترویج می شده است. علی بن محمد نسابه که از سادات نسب شناس قرن پنجم هجری است، به مواردی از آن اشاره کرده و در برخی موارد نیز به تفصیل و جزئیات آن پرداخته است. (۶)

۱- شرح اصول کافی، مولی صالح مازندرانی، ج ۷، ص ۲۹۶.

۲- الانوار البهیه، شیخ عباس قمی، ص ۲۷۳.

۳- تاریخ موالید الأئمه، ابن خشاب، ص ۴۲.

۴- نقد الرجال، سید مصطفی تفرشی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۵- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۰، ص ۱۱۳. علاوه بر آن، در کتاب وفيات الأئمه، نوشته گروهی از علمای قطیف، ص ۳۵۱، به وی «مریبه» نیز اطلاق گردیده، ولی به جایی از منابع اولیه ارجاع داده نشده است.

۶- المجدی فی انساب الطالبین، علی بن محمد علوی نسابه، ص ۸۶.

ص: ۱۶

آنچه مسلم است اینکه ریشه خانوادگی حضرت سمانه (علیها السلام) از سرزمینی خارج از حجاز بوده است، زیرا در بیشتر تعابیر، او را با عنوان «سمانه مغربیه» (۱) یاد کرده اند.

۱- مغرب، در اصطلاح تاریخ نگاران اسلامی، شامل سرزمین هایی بوده است که در غرب حجاز و مناطق غربی قرار گرفته بود و اصطلاحاً به آن مناطق غربی خلافت اسلامی اطلاق می شد.

چگونگی ازدواج با امام جواد (ع)

پس از شهادت امام رضا (ع) در سی ام صفر سال ۲۰۳ هـ. ق به دست مأمون، زمزمه این مسئله در میان ناراضیان، به ویژه علویان و سادات حجاز و خصوصاً در مدینه پیچید و باعث شد که مأمون پس از استقرار در بغداد، توجهی جدی و در عین حال محتاطانه به زندگی امام جواد (ع) در مدینه داشته باشد. بدین منظور امام جواد (ع) را با ظاهری بسیار محترمانه به بغداد فراخواند و دخترش «ام الفضل» را به ازدواج وی درآورد.

در این میان، بزرگان بنی عباس، همان گونه که از نزدیک نمودن امام رضا (ع) به خلیفه ناخرسند بودند، در این مسئله نیز به بهانه های گوناگون از جمله کمی سنّ حضرت، نارضایتی خویش را ابراز کردند.

ص: ۱۸

امّا مأمون به دنبال همان سیاستی که نسبت به امام رضا (ع) پی گرفته بود، برای اثبات برتری علمی امام جواد (ع)، مجلس باشکوهی از بزرگان و دانشمندان ترتیب داده و از مطرح ترین دانشمندان دربار خویش، «یحیی بن اکثم» خواست امام را بیازماید. او نیز مسئله ای فقهی پیرامون شخص مُجرمی که در حال احرام مرتکب صید شده است، پرسید و حکم آن را از امام که در سنین کودکی بود جویا شد. امام جواد (ع) نیز با بیان شقوق مختلفی که ابن اکثم از اصل آنها غافل بود، همگان را متحیر کرد و آن گاه که نوبت به وی رسید تا از ابن اکثم پرسشی بکند، یک مطلب فقهی بسیار ظریف، دقیق و لطیف را درباره مرد و زنی که در یک روز چند بار به هم حرام و سپس حلال می شوند، بیان کرد که حاضرین تا آن هنگام مانند آن را نشنیده بودند. (۱)

پس از این ماجرا، مأمون که سرشکستگی اعوان و انصارش را می دید، از امام خواست طی خطبه ای، ام الفضل را به عقد خویش درآورد. بی تردید هدف

۱- این ماجرا به طور مفصّل در منابع گوناگون به ویژه کتب روایی علما و محدثان شیعی آمده است که از آن جمله می توان به کتاب موسوعه امام الجواد (ع)، و همچنین موسوعه کلمات الامام الجواد، اشاره نمود.

ص: ۱۹

پلید مأمون از این درخواست این بود که با دلجویی از امام و شیعیان وی، خود را از اتهامی که در ماجرای شهادت امام رضا (ع) میان شیعیان رواج داشت، پاک کند.

افزون بر آن، ام الفضل می توانست با زیر نظر گرفتن حضرت و رساندن اخبار لازم، خلیفه را در جریان اوضاع و رفت و آمدهای امام قرار دهد. به همین دلیل بود که هرگاه ام الفضل، به دلیل بی توجهی امام جواد (ع) به او، به پدر شکایت می کرد، مأمون با تندی او را از اینکه به فکر جدایی از امام باشد، باز می داشت. (۱) به هر روی، امام پس از ازدواج با ام الفضل، دوباره به مدینه بازگشت.

گزارشی که در برخی منابع روایی درباره شیوه ازدواج امام جواد (ع) با حضرت سمانه (علیها السلام) آمده است، نشان می دهد که امام، اوج تقیه را در این مورد مراعات نموده اند.

محمد بن فرج راوی می گوید: مولایم امام جواد (ع) مرا به حضور طلبید و مخفیانه به من گفت:

به زودی قافله ای خارج از حجاز به اینجا خواهد آمد و کنیزانی را همراه می آورد. تو این کیسه پول

۱- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، ج ۳، ص ۳۷۴.

ص: ۲۰

را که هفتاد دینار در آن است، بگیر و دوشیزه ای را با این اوصاف که برایت می گویم و در میان ایشان است، با راضی نمودن صاحبش، تحویل گرفته، نزد من بیاور. (۱)

محمد بن فرج نیز طبق فرمایش امام و توصیفات که ایشان از کنیز مورد نظر نموده بود، در روز معین در محل گفته شده، حاضر شد و با شناختن آن دوشیزه محترم، او را از صاحبش به همان مبلغ خرید و نزد امام آورد.

محمد بن فرج می گوید:

دوشیزه ای که به همراه من آمد و با هم نزد امام رفتیم، همان بانویی بود که بعدها، مادر مولایم ابوالحسن، امام هادی گردید. او سمانه (علیها السلام) نام داشت. (۲)

۱- دلائل الامامه، ص ۴۱۰.

۲- مدینه المعاجز، سید هاشم بحرانی، ج ۷، ص ۴۲۰؛ دلائل الامامه، ص ۴۱۰.

ص: ۲۱

تولد هادی اَمت

ایام ذی الحجه یادآور قضایای مهمی برای اهل دیانت است. ایام معدودات (۱)، لیال عشر (۲) و... در این ماه پراج قرار گرفته و اوج عرفان و بندگی خداوند، در نهمین روز این ماه که عرفه نامیده می شود، رخ داده است. شب نیمه ذی الحجه فرا رسید. آن شب، مدینه حال و هوای دیگری داشت. امام جواد (ع) با همسر و برخی نزدیکان خویش ترجیح داده بودند در محلّه «صریا» که در نزدیکی مدینه بود، به سر برند. (۳)

«صریا» نام روستایی بود که به دست امام

۱- بقره: ۲۰۲.

۲- فجر: ۲.

۳- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، ج ۲، ص ۲۹۷.

ص: ۲۲

موسی بن جعفر (ع) (۱) و به احتمال فراوان، برای مصون ماندن از تعقیب جاسوسان حکومتی بنا شده بود. بدین ترتیب امام کاظم (ع) می‌توانست در منزل مسکونی خود در این منطقه، به امور لازم رسیدگی کند و در مواقع خاصی که ایجاب می‌نمود، جلساتی را با یاران خویش برگزار نماید. (۲) فرزندان و وابستگان امام نیز از این محل استفاده می‌نمودند و طبیعی بود که امام جواد (ع) هم گاهی به این منزل بیاید. در قضیه تولد آن مولود بزرگ، امام هادی (ع) نیز این مکان مهیا شده بود.

نزدیک سحرگاهان بود که ناگاه هاله‌ای از نور، حجره سمانه (علیها السلام) را روشن نمود. امام جواد (ع) که در حجره مجاور، مشغول راز و نیاز با خالق بی‌نیاز بود، در یک آن، سجده شکر نمود و این نشان دهنده آن بود که هادی امت، قدم به عرصه وجود می‌نهاد. سمانه (علیها السلام)

۱- ابن شهر آشوب مازندرانی در مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۸۲ می‌نویسد: «صریا هی قریه اسسِیها موسی بن جعفر (ع) علی ثلاثه امیال من المدینه».

۲- مثلاً در قیام شهید فحّ در سال ۱۶۹هـ. ق و در زمان خلافت هادی عباسی (۱۶۹-۱۷۰هـ. ق)، امام کاظم (ع) که بر مبنای سیاست تقیه، از اقدام ظاهری پرهیز می‌نمود، آن مجاهد بزرگ حسنی را از اتکای به مردم و وعده‌های ایشان بازداشت، زیرا مطمئن بود که شرایط فکری جامعه، برای هیچ قیامی مناسب نیست. ر. ک: قیام سبزجامگان، اثر نگارنده، ص ۱۸۹.

ص: ۲۳

در یک آن، ملاحظه نمود فرزندش طاهر و مطهر متولد شده است و عرشیان پرده نشین، نوزاد را به آغوش او رسانده اند. نوزادش را به سینه چسبانید و سپس درحالی که اشک شوق از دیده می ریخت، صورت، لب ها و پیشانی او را غرق بوسه ساخت. زنان تکبیر و ذکر الهی گفتند و دقایقی بعد، نوزاد را به آغوش پدر رساندند و هادی دل ها در آغوش پدرش، امام جواد (ع)، آرام گرفت.

در آن میان نگاه های ام الفضل، دختر مأمون و همسر دیگر امام جواد (ع)، حکایت از ناراحتی درونی او داشت. ام الفضل این ناراحتی را بارها با نوشتن نامه به پدرش یا در دیدارهای حضوری با او، به نوعی بروز داده بود. (۱) او در حیرت بود که چرا از امام جواد (ع) دارای فرزندی نمی شود، گو اینکه از مصالح و مشیت حق تعالی خبر نداشت.

در آن میان و در بین شادی زنان اهل بیت، امام جواد (ع)، با نوای مترنم خویش، گلوازه های اذان و اقامه را در گوش نوزاد دلبندهش خواند و سپس درحالی که همگان منتظر اعلام نام نوزاد از سوی پدر بودند، نام زیبای علی را که نام جد مطهرش

۱- کشف الغمّه فی معرفه الائمه، علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۳۶۵.

ص: ۲۴

امیرالمؤمنین (ع) و جدّ دیگرش، امام زین العابدین (ع) و همچنین پدرش امام رضا (ع) بود، برای وی برگزید. آن گاه با محبت تمام به صورت همچون ماه سمانه (علیها السلام) نگریست؛ نگاهی که از آن رضایت می‌بارید و این درحالی است که رضایت امام و حجت الهی، رضایت حق تعالی است و امام (ع) با این نگاه از سمانه تشکر می‌نمود.

فرزندان دیگر حضرت سمانه (علیها السلام)

حضرت سمانه (علیها السلام) در طول زندگی بابرکتی که با امام جواد (ع) داشت، علاوه بر امام هادی (ع)، چند فرزند دیگر نیز به دنیا آورد. در برخی منابع به جز امام هادی (ع) سه پسر و چهار دختر برای وی ذکر کرده اند. از جمله «شیخ مفید» در «ارشاد» نام سه پسر او را «ابو احمد، موسی مبرقع»، «ابوموسی عمران» و «ابواحمد حسین» و نام دخترانش را، «فاطمه»، «خدیجه»، «ام کلثوم» و «حکیمه» بیان نموده است. (۱)

اما «ابن عنبه نسابه»، همین تعداد پسر و دختر را با نام های «محمد»، «موسی مبرقع»، «حسن»، «حکیمه»، «بُریهه»، «امامه» و «فاطمه» ذکر کرده است. (۲)

۱- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۹۵.

۲- عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب (ع)، ابن عنبه نسابه، ص ۱۹۹.

ص: ۲۶

«ابن حمدان خصیسی» نیز بدون ذکر نام دختران، دو پسر به نام های «محمد» و «حسین» را بیان نموده است و اشاره ای به نام دختران ندارد، هرچند از سخن وی، عدم وجود فرزند دختر برای امام جواد (ع) و حضرت سمانه (علیها السلام) بر نمی آید. (۱)

آنچه بدیهی است و می توان بی تردید آن را درباره حضرت سمانه (علیها السلام) ذکر نمود، داشتن پسری به نام «موسی بن جواد (ع)» معروف به «مبرقع» و دخترانی به نام های «حکیمه»، «فاطمه» و «امامه» است، زیرا دو منبع ذکر شده روی این سه توافق دارند. افزون بر آن، ممکن است «ام کلثوم» همان «فاطمه» باشد. نیز روایات بسیاری در مورد «حکیمه (علیها السلام)» وجود دارد که او، عمه امام حسن عسکری (ع) بوده و در ماجرای تولد امام عصر (عج) حضور داشت.

علاوه بر این، نمی توان نام های «بُریهه» و «خدیجه» را نیز به طور قطع از فهرست فرزندان ایشان حذف کرد؛ زیرا قرائن بیان شده، در اینجا نیز صدق می کند و ممکن است به دلایلی که گفته شد، همه موارد به ما نرسیده باشد. اما آنچه در مورد این فرزندان از منابع

ص: ۲۷

تاریخی به دست می آید - و در مواردی که سند تاریخی در دست نیست، قرائن نشان می دهد - آنان در پرتو هدایت و تربیت امام جواد (ع) و سپس امام هادی (ع) و همچنین در سایه محبت مادرانه حضرت سمانه (علیها السلام) و با تحمّل سختی های بسیار، به کرامات روحی و معنوی فراوانی دست یافتند. در این باره، تا جایی که مدارک و منابع ما را یاری می کند، می توان از پسران حضرت سمانه، به «موسی بن جواد» اشاره کرد که بعدها به «مبرقع» مشهور شد.

واژه «برقع» به معنای نقاب است و همچنین می تواند نشانه ای از نورانیت چهره تلقی شود. موسی مبرقع در دوره امامت برادرش امام هادی (ع)، به دلیل مخالفت شدید و رفتار ددمنشانه متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ ه. ق) که در نهایت به شهادت امام منجر شد و با توجه به وجود مخالفان حکومت عباسی در شرق خلافت اسلامی مانند اشعریان در قم، پس از مدتی فعالیت در حجاز و عراق به سوی کاشان آمد و در منزل «احمد بن عبدالعزیز بن دلف عجلی» سکونت نمود. (۱)

۱- قیام سبزجامگان، ص ۱۳۳.

ص: ۲۸

احمد بن عبدالعزیز، از بزرگان شیعه کاشان بود و موسی را بسیار گرامی داشت. اشعریان قم، با شنیدن حضور موسی مبرقع در کاشان، به آنجا رفتند و او را با اصرار فراوان به قم بردند. (۱) آنها منزل مناسبی برای موسی مبرقع در قم خریداری کردند و درآمد چند روستا را نیز برای فعالیت تبلیغی در اختیار وی قرار دادند. (۲) مدتی پس از حضور موسی مبرقع در قم، عده‌ای از خاندان اهل بیت به او پیوستند.

حضور موسی مبرقع در قم باعث رونق بیشتر تبلیغی اهل بیت در آنجا شد و به تدریج سادات و علویان از حجاز و عراق به این منطقه آمده، در آن سکونت نمودند. نتیجه این مهاجرت‌ها، تقویت نهادهای علمی و فرهنگی مربوط به تشیع در این شهر شد؛ به گونه‌ای که بعدها و در قرون چهارم به بعد، این شهر، مرکز مستحکمی برای تشیع در ایران محسوب گردید. هم‌اکنون وجود مرقد امامزادگان متعدد در شهر قم، شاهد محکمی بر این مدعاست.

از دیگر فرزندان حضرت سمانه (علیها السلام) که نقش مؤثر او را در حوادث بعدی می‌بینیم، حضرت حکیمه (علیها السلام)

۱- قیام سبزجامگان، ص ۱۳۴.

۲- قیام سبزجامگان، ص ۱۳۴.

ص: ۲۹

است که به مراتب عالیه ای از علوم آل محمد (ص) نزد امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) دست یافت؛ به گونه ای که در ماجرای ازدواج امام عسکری (ع) با حضرت نرجس (علیها السلام)، مأمور تعلیم آموزه های دینی به نرجس (علیها السلام) شد (۱) و در قضیه تولد منجی موعود، امام عصر (عج) نیز حضور داشت.

در مورد دیگر فرزندان حضرت سمانه (علیها السلام)، اطلاعات چندانی در منابع روایی و تاریخی دیده نمی شود، اما می توان حدس زد که آنها نیز به نوعی از برکات این زندگی آسمانی بهره برده و در کمال محبت و معنویت زیسته اند. هرچند به دلیل فشارهایی که از سوی دستگاه خلافت بر اهل بیت وجود داشته، بر ایشان نیز رنج و محنت فراوانی وارد آمده است.

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲.

رخدادهای مهم دوره زندگی حضرت سمانه (علیها السلام)

براساس منابع موجود، می‌توان زندگی حضرت سمانه (علیها السلام) را به سه مرحله تقسیم کرد. مرحله نخست، پیش از ازدواج با امام جواد (ع) است. جزئیات این مرحله برای ما آشکار نیست و تنها می‌دانیم که پدر ایشان به احتمال فراوان از موالی یا اسیران بوده و در حجاز رشد کرده است و خود سمانه (علیها السلام) نیز به شکل کنیز، به طور مستقیم از مغرب به حجاز آمده و در آنجا به وصال امام جواد (ع) رسیده است.

مرحله دوم، دوران زندگی وی با امام جواد (ع) است. این دوران که با خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ه. ق) و معتصم (۲۱۸-۲۲۷ ه. ق) همزمان بود، با سخت‌گیری دستگاه حاکم بر همسرش سپری شد و سمانه (علیها السلام) این دوران را با تمام سختی‌های آن تجربه نمود. در همین

ص: ۳۲

دوران و به سال ۲۲۰ه. ق بود که معتصم، شهادت همسرش را، مظلومانه و غریبانه در بغداد به دست ام الفضل رقم زد.

در این دوران، سمانه (علیها السلام) در پرتو عنایت و تعالیم ویژه امام جواد (ع)، به مقامات روحی و مدارج معنوی خاصی دست یافت؛ به گونه ای که در زبان امام هادی (ع)، از او با عنوان عارفه یاد شده است. (۱)

او از آزار و اذیت ام الفضل، دختر مأمون و همسر تحمیلی امام جواد (ع)، مصون نبود، ولی با روحی بلند و به خاطر مصلحت امام (ع)، آن را تحمل می کرد. وی از آزار و اذیت فراوان ام الفضل نسبت به امام جواد (ع) نیز به شدت غمگین می شد، ولی به امر امام، شکیبایی می ورزید. (۲)

مرحله سوم زندگی حضرت سمانه (علیها السلام)، دوران زندگی وی پس از شهادت مظلومانه همسرش امام جواد (ع) در سی ام ذی القعدة سال ۲۲۰ه. ق می باشد. چگونگی سپری شدن این دوران نیز برای ما روشن نیست و به درستی نمی دانیم که او چند سال پس از امام زنده بود، چه زمانی از دنیا رفته و در کجا

۱- الانوار البهیه، ص ۲۷۳.

۲- الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۳۷۴.

ص: ۳۳

به خاک سپرده شد. اقیبا با عنایت به سختی‌هایی که پس از شهادت امام جواد (ع) برای فرزندش امام هادی (ع) در دوره واثق (۲۲۷-۲۳۲ ه. ق) و سپس در دوره متوکل (۲۳۲-۲۴۷ ه. ق) پیش آمده است، می‌توان حدس زد که او نیز از این سختی‌ها مصون نبوده است.

ص: ۳۵

جایگاه معنوی حضرت سمانه (علیها السلام)**اشاره**

بدون تردید، مادران پیشوایان الهی در دو ویژگی ممتازند: نخست اینکه در مسیر همراهی با همسرشان که حجت خداوند بوده است، قابلیت‌هایی را کسب نموده و به مدارج روحی بالایی رسیده‌اند و دوم اینکه امامی معصوم و حجتی الهی از دامن پاکشان به عرصه وجود آمده است.

(ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ) (الجمعه: ۴)

در واقع این تفضّل الهی است که به هر که بخواهد عنایت کند، همانا حق تعالی دارای تفضّل بزرگی می‌باشد.

در این قسمت برآنیم تا جایگاه و مرتبه بانو سمانه (علیها السلام) را تا جایی که منابع و قرائن یاری می‌دهد، بیان کنیم.

مقام طهارت روحی و معنوی

همان طور که در زیارت وارث، خطاب به اباعبدالله الحسین (ع) می خوانیم و نسبت به دیگر پیشوایان معصوم نیز معتقدیم، آنان از رحم هایی متولد شده اند که دارای مقام طهارت حقیقی بوده اند. صفوان جمال از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: چون به قبر امام حسین (ع) رسیدی بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان: (۱)

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ. . . ، يَا اَبَاعَبْدِاللَّهِ، اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ. (۲)

سلام بر تو ای وارث آدم، برگزیده خداوند. . . ای اباعبدالله! گواهی می دهم که تو در صلب های عالی پدران و در رحم های مطهر مادران، نور پاک الهی بودی.

وصف ارحام مطهره، درباره مادر دیگر امامان معصوم (علیهم السلام) نیز صادق است. مقام پاکی و طهارت این مادران، آن چنان عظیم است که نمی توان آن را درک نمود. همین بس که خداوند متعال، واژه طهارت را در

۱- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۸۷۳ به نقل از ابن قولویه.

۲- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۷۸۳.

ص: ۳۷

کتاب خویش، عنصر اصلی ترقی و تعالی روحی و مهم ترین قله صعود انسانی و اصلی ترین دستگیره نجات و همچنین وسیله نهایی برای نیل به حقایق قرآن دانسته است.

بی تردید، همنشینی و همراهی با حجت خداوند متعال، چه به عنوان همسر و چه به عنوان مادر، مجال صعود به قله های والای انسانی را برای این نیک سیرتان به وجود آورد. هر چند زنانی مانند جعده، دختر اشعث بن قیس کندی و همسر امام مجتبی (ع) و همچنین أم الفضل، دختر مأمون و همسر امام جواد (ع) که این دو امام معصوم را به شهادت رساندند و نیز زنان برخی پیامبران بزرگ الهی مانند همسر لوط و همسر نوح، از این فیض الهی بهره نبردند و با عمل سوء خود، بر سیاهی دلشان افزودند.

اما همسران پاک سیرتی همچون حضرت سمانه (علیها السلام)، با بهره گیری از این موقعیت عظیم، خود را در صف انسان های پاک و مطهر قرار دادند و چون در مسیر امامت و صراط حق حرکت کردند، توانستند با کسب رضایت امام خویش - که اصلی ترین عامل رسیدن به درجات عالیه است - مطهره شوند و مطهره از دنیای فانی به دیار باقی کوچ کنند.

ص: ۳۸

ولایت پذیری

از مهم ترین مسائلی که در وجود مادران امامان (علیهم السلام) دیده می شود، رسیدن به مقام ولایت پذیری به معنای واقعی آن است. در احادیث، قبول ولایت، رکن اصلی دین شمرده شده است.

امام باقر (ع) در این باره می فرماید:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالزَّكَاةِ وَالْوَلَايَةِ وَمَا نُودِيَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ. (۱)

همانا اسلام، بر پنج رکن استوار شده است؛ نماز،

روزه، حج، زکات و ولایت و مردم به چیزی بالاتر از ولایت خوانده نشده اند.

بر پایه این روایت، ولایت پذیری از همه واجبات الهی و حتی از نماز که ستون دین می باشد، برتر دانسته شده است. بر این اساس، عمل بدون ولایت هَبَاءٌ مَنثورًا (فرقان: ۲۳) و عملی باطل و بیهوده خواهد بود. بسیاری از اشخاص به ظاهر دیندار از صدر اسلام تاکنون، به دلیل فقدان همین اصل به

۱- این روایت، حدیثی صحیح بوده، در بیشتر کتب روایی و فقهی شیعه وارد شده است و نگارنده آن را از کتاب الذکری، شهید اول، ۷۸۶هـ. ق، نسخه خطی کرمانی سنه ۱۲۷۲هـ. ق، ص ۵۷ نقل می نماید.

ص: ۳۹

قهقرا رفته اند.

اما حضرت سمانه (علیها السلام) را در این باره حکایت دیگری است. او در مقام ولایت پذیری به کمال رسیده بود و رضایت امام معصوم از وی برای اثبات این سخن، نشانه ای است با ارزش.

امام هادی (ع) با تصریح به این موضوع فرموده است:

«أُمِّي عَارِفَةٌ بِحَقِّي» (۱)؛ «همانا مادرم به ولایت من ایمان و آگاهی کامل داشت».

بی تردید این روایت، نشان از رضایت قطعی امام هادی (ع) از بانو سمانه و علامت ولایت کامل او است. علاوه بر آن شیوه زندگی وی با امام جواد (ع) و سختی هایی که بر اثر پیشامدهای گوناگون در ضمن این زندگی برای او پدید آمده است نیز می تواند نشان از رضایت امام جواد (ع) از او باشد.

مقام قنوت

خداوند در قرآن کریم خطاب به حضرت مریم (علیها السلام) می فرماید:

(يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ) (آل عمران: ۴۳)

۱- دلائل الامامه، ص ۴۱۰.

ص: ۴۰

ای مریم، برای خدایت، [به شکرانه برگزیدگی و پاکی و برتری بر تمام زنان جهان] خضوع کن و سجده به جا آور و بار رکوع کنندگان رکوع کن.

مقام خضوع نزد خداوند متعال، بسیار ارزشمند و والاست و انسان‌های برگزیده، بر این مقام ستوده شده‌اند. این مقام روحی، نشان دهنده تعالی و عظمت معنوی شخصی است که در برابر شأن کبریائی حق تعالی، به مقامی از یقین و باور رسیده است که گویی عرصات و عوالم را با چشم سر می‌بیند. رسیدن به مقام قنوت در مردان خدا و علمای ربّانی از زمان‌های گذشته تاکنون به چشم می‌خورد و بدیهی است که برای بندگان صالحی چون حضرت سمانه (علیها السلام) که به افتخار همسری و مادری امام معصوم رسیده است، دست یافتن به این مقام آسان تر است. به همین مناسبت در وصف حضرت سمانه (علیها السلام) آمده است که:

كَأَنَّ مِنَ الْقَانِتَاتِ. (۱)

[سمانه (علیها السلام)] از زنان اهل خضوع و خشوع [در برابر ذات باری تعالی] بود.

۱- عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، ص ۱۱۸.

توصیف امام هادی (ع) از مقام مادرش

امام هادی (ع) در سخنی نغز، مادرش سمانه (علیها السلام) را چنین معرفی می نماید:

أُمِّي عَارِفَةٌ بِحَقِّي وَهِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَا يَقْرُبُهَا شَيْطَانٌ مَارِدٌ وَلَا يَنْأَلُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَهِيَ مَكْلُوءَةٌ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ وَلَا تَتَخَلَّفُ عَنِ
أُمَّهَاتِ الصُّدِّيقِينَ وَالصَّالِحِينَ. (۱)

مادرم عارف به حق [ولایت] من است. او از اهل بهشت و از شیطان خبیث در امان است و حيله زورگوی لجوج به او نرسد. او همواره در پناه چشمان خداوندی است که هیچ گاه به خواب نمی رود و از مادران صلحا و صدیقین تخلف نمی کند.

با نگرشی ژرف به این روایت، به برخی مقامات روحی و الهی حضرت سمانه (علیها السلام) پی می بریم. از جمله آنها مقام معرفت به حق امام است. همچنین بهشتی بودن و به راستی چه زیبا بشارتی است که در دنیا به شخصی بگویند که تو اهل بهشت خواهی بود. به ویژه اینکه بشارت دهنده حجت خدا باشد. گفتنی است حضرت خدیجه (علیها السلام) نیز به این مقام دست یافت و

ص: ۴۲

خداوند متعال به وسیله پیامبرش، وی را از برگزیدگان و سروران زنان بهشتی خواند. (۱)

وصف دیگر که آن نیز مرتبه والای بانو سمانه (علیها السلام) را نشان می دهد، نزدیک نشدن شیطان سرکش به او است. آری، اینکه وسوسه شیطان در شخصی کارگر نشود شگفت آور است و این تأیید امام معصوم، ما را به درک عظمت این مادر رهنمون می سازد.

افزون بر اینها، اینکه بانو سمانه (علیها السلام) در مقام محفوظ الهی بوده است و در نهایت اینکه امام (ع) او را از جمله مادران صدیقان و صالحان دانسته است، به گونه ای که هیچ گاه از این وصف خالی نخواهد شد، خود دلیل دیگری است بر بلندی جایگاه این بانوی فرزانه.

با همه این اوصاف، واقعیت این است که این مادران، آن گونه که شایسته است، شناخته نشده اند و ضروری است که برای درک شخصیت والای این پاک سیرتان، در متن این گونه روایات تعمق فراوان نمود و از دریای بی کران آن بهره برد. آنچه گذشت، گوشه هایی بود از مقامات بلند روحی و معنوی این بانوی بزرگ.

۱- المسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۹۳.

ص: ۴۳

وَالسَّلَامُ عَلَيْهَا يَوْمَ وُلِدَتْ وَ يَوْمَ مَاتَتْ وَ يَوْمَ تُبْعَثُ حَيًّا. . .

سلام بر او روزی که [از مادر] متولد شد و روزی که دار فانی را وداع گفت و روزی که [از قبر مطهر خویش] مبعوث شود.

سلام بر تو ای همسر حجت حق تعالی و سلام بر تو ای مادر هادی اُمّت. به امید آنکه عنایت تو در حقّ ما در دنیا و آخرت جاری شود.

ص: ۴۵

فصل دوم: حضرت حدیثه (علیها السلام)

اشاره

ص: ۴۷

نام و نسب

منابع تاریخی نام‌های متفاوتی را برای مادر امام حسن عسکری (ع) ذکر کرده‌اند. البته این مسئله تنها مربوط به ایشان نیست. بلکه درباره مادران امام جواد، امام هادی (علیهما السلام) و امام عصر (عج) نیز نام‌های متفاوتی ذکر شده است. دلیل این امر، سخت‌گیری شدید حاکمان زمان در حق خاندان اهل بیت (علیهم السلام) و از آن سو پنهان کردن حقایق موجود بوده است. همچنین مسئله مهدی آل محمد (عج)، براساس روایات پیامبر (ص) اشتهاار یافته بود و حساسیت خلفای جور در یافتن او باعث شد که اسامی و شیوه زندگی این مادران بزرگوار، با نقل‌های متفاوت در منابع ذکر شود.

در نوشتار، از این همسر و مادر بزرگوار با نام حُدَیث یا حدیثه نام برده می‌شود. برخی منابع مهم نام

ص: ۴۸

وی را حدیث یا سلیل که ممکن است لقب او باشد، ذکر کرده اند. در تعلیقه کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق چنین آمده است:

المشهور اسمها حَدِيثٌ مَصْغَرًا أَوْ سَلِيلٌ. (۱)

مشهور آن است که نام او (مادر ابو محمد، حسن بن علی عسکری) حَدِيثٌ یا سَلِيلٌ بوده است.

که البته همان حَدِيثٌ به غیر مَصْغَرٌ معروف تر است.

شهید اول در کتاب «الدروس» می نویسد:

الامام التقی الهادی ولی المؤمنین، ابو محمد الحسن بن علی العسکری أمّه حدیث، أمّ ولد. (۲)

مادر امام هدایتگر و سرپرست مؤمنان، یعنی امام عسکری، حدیث نام داشت که [به ظاهر] کنیز بود.

از دیگر منابعی که نام حضرت را حدیث ذکر کرده اند می توان به کتاب کلینی در کافی (۳)، دلایل الامامه طبری صغیر (۴)، ابن

حمدان (۵) در الهدایه الکبری، شیخ مفید (۶) در

۱- کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۰۷.

۲- الدروس الشرعیه، شهید اول، ج ۲، ص ۱۵.

۳- اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۴۲۱.

۴- دلایل الامامه، طبری، ص ۴۲۴.

۵- الهدایه الکبری، ابن حمدان، ص ۳۲۷.

۶- الارشاد، شیخ مفید، صص ۶۹ و ۳۳۵.

ص: ۴۹

الارشاد، ابن شهر آشوب (۱) در المناقب، طبرسی در اعلام الوری (۲) و... اشاره نمود. افزون بر منابع متقدم، برخی منابع متأخر نیز همین عقیده را دارند؛ از جمله تفرشی، متوفای قرن ۱۱ ه. ق در «نقد الرجال» می نویسد: «الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی العسکری (ع) کنیت ابو محمد... أمّه أمّ ولد یقال لها حدیث». (۳) جابلقی (متوفای ۱۳۱۳ ه. ق) نیز نامی به همین مضمون ولی با عنوان محدثه آورده است. (۴) مرحوم محدث قمی (متوفای ۱۳۵۹ ه. ق) نیز می نویسد: «

أمّه أمّ ولد تسمی حدیث...». (۵)

حسین بن عبدالوهاب همچین درباره سلیل که نام دیگر وی یا لقب اوست، می نویسد:

الحسن بن علی وهو الحسن الأخير بالنص علیه من أیبه وقام بأمر الله عزوجل وأتبعه المؤمنون و اسم أمّه علی ما رواه اصحاب الحدیث، سلیل و قیل حدیث و الصحیح سلیل. (۶)

۱- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۵۲۳.

۲- اعلام الوری، الطبرسی، ص ۳۶۷.

۳- نقد الرجال، التفرشی، ج ۵، ص ۳۲۴؛ با توجه به اینکه منابع نام مادر حضرت را حدیث آورده اند، ولی از او با حدیثه نیز نام برده می شود که ممکن است به جهت مؤنث بودن صاحب نام، تاء تأنیث به آن اضافه شده و حدیث به حدیثه تصحیح شده باشد.

۴- طرائف المقال، سیدعلی اصغر جابلقی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۵- الانوار البهیة، محدث قمی، ص ۳۰۳.

۶- عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، ص ۱۲۳.

ص: ۵۰

امام عسکری که به نصّ پدرش امامت یافت و به این امر الهی قیام کرد و مؤمنان پیروی اش کردند، نام مادرش بنا بر روایت اصحاب حدیث، سلیل است و عده ای گفتند نام وی حدیث (حدیثه) بوده، ولی صحیح آن است که او را سلیل بخوانیم.

سلیل به معنای لغوی آن (یعنی ذریه) درباره رسول خدا (ص) نیز به کار رفته است، چنان که در کتاب «المزار الکبیر» و در زیارت رسول اعظم (ص) می خوانیم:

«و انک سلیل الاعلام الساده» (۱)؛ «همانا تو از سلاله و ذریه بزرگان و شریفان هستی» .

به همین مناسبت معنای لغوی است که ابن نمای حلّی در «مثیر الاحزان» (۲) و سید بن طاووس در «اقبال الاعمال» (۳) در وصف علی بن الحسین الاکبر (ع) آورده اند:

«السلام علیک یا اولّ قتیل من نسل خیر سلیل من سلاله ابراهیم الخلیل» .

طبرسی صاحب احتجاج نیز سلیل را به معنای ذریه آورده و در وصف امام مجتبی (ع) می نویسد:

«سلیل خاتم النبوه و معدن الرساله و سید شباب اهل الجنه» . (۴)

۱- المزار الکبیر، محمد بن المشهدی، ص ۶۳.

۲- مثیر الاحزان، ابن نمانی حلّی، ص ۶۷.

۳- اقبال الاعمال، سید بن طاووس.

۴- الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۳۰.

ص: ۵۱

جوهری در معنای سلیل نوشته است:

«والسلیل الوادی الواسع» (۱)؛ «سلیل زمین وسیع پربرکت است». اما وجه تسمیه مادر امام عسکری به این نام به خاطر پربرکت بودن وجود ایشان و نیز از روی احترام و عظمت وی نزد امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) بوده است.

نام های دیگری مانند ریحانه، سوسن، سقوس، شکل النوییه، جدّه، حکیمه و محدثه برای او گفته اند که در منابع فوق الذکر نیز به آن اشاره شده است.

۱- الصحاح، الجوهری، ج ۳، ص ۷۳۰ و ج ۳۱، ص ۱۷.

ص: ۵۳

ازدواج با برکت

در پی شهادت امام جواد (ع) در سال ۲۲۰هـ. ق، حضرت سمانه، (همسر امام جواد و مادر امام هادی (علیهما السلام))، سرپرستی فرزندان را به عهده گرفت. وی منتظر زمان مناسبی برای ازدواج فرزندش امام هادی (ع) بود و در این میان، دوشیزه‌ای به نام حدیثه نظرش را جلب کرد. وقتی حضرت سمانه از رضایت امام هادی (ع) آگاه شد، زمینه این ازدواج با برکت را فراهم کرد. وی از اینکه امام بعدی از همین بانو متولد خواهد شد، بسیار مسرور بود.

اولین فرزند امام هادی (ع) و حدیثه (علیها السلام)، پسر بود و نام او را محمد گذاردند. آثار نجابت و بزرگی از همان اوان طفولیت در چهره او پیدا بود. از این رو برخی خواص، می‌پنداشتند که پس از پدرش او امام شیعه

ص: ۵۴

خواهد بود.

محمد بعدها در گذشت، اما به خاطر فضائل و بزرگواری اش در طول تاریخ شیعه از او به بزرگی یاد شده و مزار وی در نزدیکی سامرا، همواره مورد توجه و احترام مؤمنان بوده است. (۱) حضرت حدیثه دو پسر دیگر به نام های حسین و جعفر و دختری به نام عالیه، به دنیا آورد. (۲)

جعفر بعدها به خلفای عباسی، خصوصاً معتمد عباسی گرایش پیدا کرد و گروهی به واسطه او گمراه شدند؛ به همین دلیل به جعفر کذاب شهرت یافت (۳) و این حاکی از انحراف عقیده وی بود. ولی بنا بر نقل کلینی، طبق توفیق شریف امام عصر (عج) به محمد بن عثمان و تصریح وی به این مطلب، جعفر موفق به توبه شده است. (۴)

۱- مشهور است که در عراق و بین شیعیان، هنگام مرافعه و لزوم قسم یاد کردن شخص منکر، او را در حرم محمد بن علی الهادی یا مزار سید محمد قسم می دهند و معتقدند، هیچ کس جرئت قسم دروغ در بارگاه وی را ندارد. علاوه بر آن کرامات فراوانی از این امامزاده واجب التکریم به اثبات رسیده است؛ ر. ک: زائر کربلا، جواد محدثی، ص ۵۸.

۲- اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۳۳؛ کفایه الاثر، خزّاز قمی، ص ۱۶۲؛ فصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۲۹۰.

۳- کمال الدین، ص ۳۲۱؛ عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، ج ۲، ص ۱۴۲؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۳۱.

۴- عمده الطالب، ج ۲، ص ۱۴۲.

ص: ۵۵

سرانجام در شب هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ ه. ق، وعده خداوندی تحقق یافت و از حدیثه فرزندی طاهر متولد شد که نامش را حسن (ع) گذاشتند.

بعدها القابی همچون زکی، طیب و عسکری، به ایشان داده شد، ولی به دلیل سکونت در محله عسکری سامرا و تحت نظر بودن در این مکان، به عسکری شهرت یافت. (۱)

۱- فرهنگ زیارت، جواد محدثی، ص ۲۷۶.

ص: ۵۷

تحمّل شدانده و همراهی با حجّت خداوند

از فضایل و امتیازات روحی همسر امام هادی و مادر امام عسکری (علیهما السلام) ، تحمل سختی هایی بود که دستگاه حاکم عباسی بر امامان معصوم وارد می آوردند. یکی از فشارهای دستگاه حاکم بر امام هادی (ع) این بود که در دوره متوکل عباسی به شهر سامراء که از نظر نفوذ ترکان و انتقال پایتخت به این شهر، اهمیت زیادی داشت، فراخوانده شد. امام با خانواده خود از مدینه به سامراء رفت. بدین صورت که ابتدا امام را در منطقه ای به نام الصعاليك (۱) حبس کردند. یکی از یاران حضرت به نام صالح بن سعید نقل می کند که من از این جسارت متوکل به امام به

۱- مکانی بوده که در آن فقرا و ضعفا را جای می دادند و متوکل به قصد جسارت کردن به امام چنین کاری کرد.

ص: ۵۸

گریه افتادم و حضرت با کرامت الهی، آینده نزدیک را به من نمایاند و فرمود: «به زودی از این مکان بیرون خواهد رفت». (۱)

پس از مدت کوتاهی که در حبس بود، سرانجام با خرید خانه‌ای، در این شهر ساکن شد. کنترل نظامی آن حضرت، خانواده و یارانش از اهداف مهم خلیفه عباسی بود. به احتمال فراوان یکی از اهداف آنان این بود که بر فرزند نهم امام حسین (ع) که مهدی موعود (عج) محسوب شده و در روایات از وی نام برده شده بود، دست یابند.

در پی این هدف بارها مأموران متوکل شبانه به خانه امام ریختند و در این سختی‌ها، حضرت حدیثه (علیها السلام)، در کنار امام بود و شدائد و سختی‌ها را تحمل می‌کرد.

۱- بصائر الدرجات، صفار، ص ۴۲۶.

ص: ۵۹

داغ هجران

رفت و آمدهای مأموران حکومت پیرامون منزل امام هادی (ع)، همه اهل خانه، به ویژه حضرت حدیثه (علیها السلام) را سخت نگران می کرد. مأموران خلیفه به جهت نظامی بودن منطقه سامراء و محل سکونت امام، به بهانه های متفاوت، وارد منزل امام می شدند. آن حضرت نیز که شهادت خود را نزدیک می دید، امام حسن عسکری (ع) را به عنوان جانشین خویش به اهل بیت (علیهم السلام) و یاران خود معرفی کرد. (۱)

روز دوم رجب سال ۲۵۴هـ. ق، حال جسمی امام، خبر از آن می داد که عوامل خلیفه سمی مهلک را به وی خورانده اند. (۲) دگرگونی حال امام، باعث اضطراب فوق العاده

۱- کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۲۵.

۲- به جزئیات این مسئله در منابع اشاره نشده است.

ص: ۶۰

در نزدیکان وی شد. طبعاً مصاحبت با امام، این بانوی بزرگوار را به مقام صبر و شکیبایی فوق العاده رسانده بود، ولی زخم این فراق، بسیار عمیق می نمود. نیمه های شب سوّم و نزدیک فجر، روح قدسی امام به سوی حق تعالی پرواز کرد و ناله و شیون از خانه امام به پاخاست. (۱)

آن روز، مراسم تشییع امام هادی (ع) در اوج اندوه و ناله اصحاب و خاندان وی انجام شد. در منزل امام غوغایی بود. در اطاقی که زنان حضور داشتند، حضرت حدیثه (علیها السلام)، هم می بایست خود صبر و شکیبایی می کرد و هم به دیگران درس صبر و استقامت می داد.

او به ویژه زمانی که دید، فرزندش در هجران پدر بی تابی می کند (۲)، اندوهش بیشتر می شد و اشک می ریخت، اما چاره ای جز صبر و تحمل نداشت.

امام هادی (ع) را طبق وصیت خودش، در یکی از اطاق های منزلش دفن کردند (۳) و این می توانست، باعث تسکین روحی برای حضرت حدیثه (علیها السلام) باشد؛ چون که همواره در کنار مدفن همسرش بود.

۱- دروس، شهید اول، ج ۲، ص ۱۵.

۲- کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۱۸؛ مدینه المعاجز، ج ۷، ص ۶۵، مصائب اهل البیت: ، ص ۲۳۶.

۳- الفصول المهمه، ابن صباغ، ج ۲، ص ۱۰۷۴.

ص: ۶۱

در طریق ولایت

حضرت حدیثه (علیها السلام) از همان زمان شهادت همسرش، به عنوان مادر و محل اعتماد فرزند و امام خویش، در مسیر و طریق امامت و ولایت قرار داشت. منابع مهمی او را محرم راز ائمه (علیهم السلام) معرفی کرده اند؛ به گونه ای که او را ملجأ و پناه شیعه خوانده اند. محدث قمی در این باره می نویسد:

کفی فی فضلها أنّها كانت مفرع الشیعه بعد وفاه ابی محمد (ع). (۱)

در فضیلت این بانو همین بس که پس از شهادت امام عسکری (ع)، ملجأ و پناه شیعه بوده است.

محدث قمی این روایت را به شیخ صدوق و از طرف او به احمد بن ابراهیم مستند می نماید. (۲)

۱- الانوار البهیه، ص ۳۰۳.

۲- الانوار البهیه، ص ۳۰۳.

ص: ۶۲

وی چنین آورده است:

روی الشيخ الصدوق عن احمد بن ابراهيم قال: دَخَلْتُ عَلَيَّ حَكِيمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضَا (ع) أُخْتِ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ (ع) فِي سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَسِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ فَكَلَّمْتُهَا مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ وَسَأَلْتُهَا عَنْ دِينِهَا فَسَمَّتْ لِي مَنْ تَأْتُمُّ بِهِ ثُمَّ قَالَتْ: وَالْحَجَّهَيْنِ الْحَسَنِ (ع) فَسَمْتَهُ إِلَى أَنْ قَالَ فَقُلْتُ لَهَا: أَيْنَ الْوَلَدُ يَعْنِي الْحَجَّهَ قَالَتْ مَسْتَوْرٌ، فَقُلْتُ: أَلَيْسَ مَنْ تَفْرَعُ الشَّيْعَةَ، فَقَالَتْ إِلَى الْجِدَّةِ، أُمُّ أَبِي مُحَمَّدٍ (ع) فَقُلْتُ لَهَا: أَقْتَدِي بِمَنْ وَصِيَّتَهُ إِلَى امْرَأَةٍ؟ قَالَتْ: إِقْتِدَاءً بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)، إِنَّ الْحُسَيْنَ (ع) أَوْصَى إِلَى أُخْتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ (ع) فِي الظَّاهِرِ وَكَانَ مَا يَخْرُجُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) مِنْ عِلْمٍ يُنْسَبُ إِلَى زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ مُسْتَتراً عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع).

(۱)

شيخ صدوق از احمد بن ابراهيم نقل می کند که او گفته است: به محضر حکیمه، دختر امام جواد (ع) و خواهر امام هادی (ع) در سال ۲۶۲ ه. ق رسیده و از پشت پرده درباره دینش با او صحبت کردم. او امامش را معرفی کرد و سپس گفت: حجت بن الحسن، آن گاه نام او را بر زبان آورد. از او پرسیدم:

۱- الانوار البهیه، ص ۳۰۳.

ص: ۶۳

این فرزند را کجا می توان محضرش شرفیاب شد؟ فرمود: او در پشت پرده غیبت و مستور است و دسترسی به وی ممکن نیست! پرسیدم: پس شیعه به که پناه برد؟ فرمود: به مادر امام حسن عسکری (ع)! پرسیدم: آیا به کسی که زن است اقتداء کرده و او را در این خصوص مقدم نمایم؟ حضرت حکیمه (علیها السلام) فرمود: این کار دقیقاً مانند وصیت نمودن امام حسین (ع) به خواهرش زینب (علیها السلام) بود که وی مطالب امام زین العابدین (ع) و اوامر او را انجام می داد و با این کار، باعث پوشیده شدن راز امامت امام سجاد (ع) شد.

این روایت بسیار درخور دقت است و اوج تعالی روحی حضرت حدیثه (علیها السلام) را نشان می دهد. مقایسه وی با زینب (علیها السلام) و اینکه بین شیعه و امام معصوم (ع) واسطه شده و می توانسته در این خصوص جوابگو باشد، نشان از رشد علمی این بانو، افزون بر کمالات روحی اوست. این مطلب را علاوه بر شیخ صدوق، شیخ مفید نیز به شکل خلاصه تری ذکر کرده است. (۱)

ص: ۶۵

جزء صالحات قانتات

زن «صالحه» در تعبیر قرآن و روایت، به زنی که ایمان و عمل صالح در جای جای وجودی وی نقش بسته است، اطلاق می شود و «قانته»، زنی است که به مقام خشوع محض در برابر حق تعالی نائل شود؛ همان طور که به حضرت مریم (علیها السلام) خطاب می شود:

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران: ۴۳)

ای مریم (اینک که زن برگزیده و سیده نساء عالمین شدی)، برای خدایت خضوع نموده و سجده و رکوع به جای آور.

حال با توجه به این نکات، حضرت حدیثه (علیها السلام) جزء زنانی است که به این مقامات نائل شده است و منابع مهم و اصلی شیعه از جمله حسین بن عبدالوهاب، به

ص: ۶۶

این نکته تصریح کرده اند. (۱) به همین جهت است که این بانوی محترمه، مورد توجه بزرگان از اصحاب امامین عسکریین (علیهما السلام) قرار داشته و همواره به بزرگی یاد می شده است. تعلق خاطر آن حضرت به امامان زمان خویش، یعنی همسرش امام هادی (ع) و فرزند و نوه اش امام عسکری (ع) و حضرت حجت (عج)، باعث شد که وی وصیت نماید تا پس از مرگ در سامراء و در کنار دو امام معصوم (ع) دفن شود. (۲)

والسلام علیها یوم ولدت و یوم ماتت و یوم تبعث حیاً.

۱- عیون المعجزات، ص ۱۲۳.

۲- ریاحین الشریعه، ج ۳، شرح حال حضرت حدیثه (علیها السلام).

ص: ۶۷

فصل سوم: حضرت نرجس فاطمه (علیها السلام)

اشاره

معرفی نرجس خاتون (علیها السلام)

نرجس (۱) خاتون (علیها السلام) در سرزمین روم به دنیا آمد. ایشان، دختر یسوعا، پسر قیصر روم و نامش ملیکا بود.

وی از جانب مادر، نسبش به «شمعون بن حَمُون الصَّفا»، وصی نامدار حضرت عیسی بن مریم (ع) می رسد. شمعون الصَّفا که از شدت زهد و تقوا، برترین حواری مسیح (ع) بود، به مقام وصایت آن حضرت رسید. نسل دختری وی، پس از قرن ها و از طریق یکی از نوادگان دختری او به دوشیزه ای طاهره و مطهره منتهی شد. وقتی این دوشیزه به سن ازدواج رسید، به دلیل داشتن شرافت حَسَب و نَسَب، در بین اشراف و بزرگان خواستگاران زیادی داشت. اما در

۱- نرجس، تلفظ عربی نرگس است که در زبان فارسی گُلی است که می تواند چندین سال متوالی گُل دهد.

ص: ۷۰

این بین، قیصر مایل بود که نوه عزیزش را به عقد یکی از نوه های پسر خویشت در بیاورد و این مسئله، امری بسیار طبیعی می نمود. قیصر روم برای تحقق خواسته اش، مجلس عقد باشکوهی آراست. در این مجلس، اعیان و اشراف حواریین، علمای مسیح و نیز صدها نفر از بزرگان دربار حضور داشتند. قیصر در صدر مجلس، بر تختی مرصع از طلا نشسته و در کنار خود تختی برای عروس و داماد گذاشته بود. هنگامی که عالم بزرگ نصرانی، شروع کرد به خواندن مقدمات خطبه عقد، ناگاه محل نشستن داماد به هم ریخت و او از تخت به زمین افتاد؛ به گونه ای که بیهوش شد. رخداد عجیبی بود. رنگ از رخسار قیصر و حاضران پرید. ملیکا نیز بسیار متعجب و به شدت مضطرب شد. از این رو بنا بر صلاحدید بزرگ نصاری، آن مجلس به زمان دیگری موکول شد. (۱)

ماجرای آن روز، سخت افکار ملیکا را به خود مشغول کرد. او از همان ابتدا به این ازدواج بی میل و به داماد بی علاقه بود تا اینکه خواب عجیبی دید. وی خواب و رؤیای خود را این چنین بیان کرده است:

۱- کمال الدین، ص ۴۱۷.

ص: ۷۱

آن شب در خواب دیدم که حضرت «مسیح (ع)» و «شمعون بن حَمَّون الصِّفا» و جمعی از حواریین، در کاخ قیصر اجتماع کرده اند. آنها در همان مکانی که تخت بر آن قرار داشت، منبری از نور که بلندی آن به آسمان می رسید، نصب نمودند. در آن حال، شخصی با هیبت و وقار فوق العاده ای، درحالی که چهره اش چون نور ماه می درخشید، وارد شد و به دنبال او جمعی مانند وی با چهره های بسیار زیبا در آن مجلس حضور یافتند. در رؤیا به من فهماندند که وی پیامبر آخرالزمان، یعنی محمد (ص) و آن همراهان نورانی، اهل بیت طاهرین او می باشند.

حضرت مسیح و همراهانش به استقبال ایشان رفته و در برابر آنها خضوع کردند. پیامبر اسلام بعد از لحظاتی به مسیح رو کرد و فرمود: «ای روح الله، آمده ام که از وصی تو، یعنی شمعون، دخترش ملیکا را برای این فرزندم (درحالی که اشاره به یکی از اختران نیک نظر پیرامونش می نمود) خواستگاری کنم». در آن حال به فرد مورد نظر محمد (ص) نگریستم. او «حسن بن علی العسکری (علیهما السلام)» نام داشت. مسیح (ع) نگاهی به شمعون کرد و فرمود: «ای شمعون، آگاه باش که عزت و شرافت ابدی به سویت آمده، شتاب کن که نسل خویش را به نسل محمد (ص) پیوند دهی!» جد من شمعون نیز با

ص: ۷۲

خوشحالی تمام، درحالی که به سوی من می نگریست و لبخند مبهوتانه مرا می دید، موافقت خویش را با جان و دل اعلام کرد. در آن هنگام پیامبر اسلام، بر همان منبر قرار گرفت و با خواندن خطبه غرایی، مرا به عقد فرزند خویش در آورد و محمدیان و عیسویان را بر این عقد گواه گرفت و شادباشی گفت و آن مجلسی، با شور و شعف حاضران رو به اتمام می رفت که من از خواب بیدار شدم. (۱)

ملیکا فردای آن روز نمی دانست درباره خوابش به اطرافیان چه بگوید. غم و اندوه سراپای وجودش را گرفت. ندیمه های وی، وقتی این حال را دیدند، کوشیدند راز درونی اش را کشف کنند. ولی ملیکا، در برابر پرسش های ایشان، سکوت می کرد. وی به تدریج از خواب و خوراک افتاد و پس از مدتی بیمار شد. آری او بیمار شده بود. بیمار عشق جاودانه به حجت باهره الهی که در آن زمان در خانه امام هادی (ع) و در نقطه دور دست، یعنی سامرا به سر می برد. خبر بیماری ملیکا، افکار قیصر را بسیار پریشان کرد. وی

۱- این ماجرا، با ضمیمه مقدمات و مؤخرات در آثار مهمی همچون کتاب کمال الدین و تمام النعمه، صص ۴۱۷ - ۴۲۳؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۱۰؛ مناقب آل ابی طالب ۷، ج ۳، ص ۵۳۹؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۱۵ و . . . وارده شده است.

ص: ۷۳

دستور داد که طیبان حاذقی را بر بالین نوه اش حاضر کنند. ولی معالجات آنها در بهبودی آن دوشیزه نیک سیرت بی فایده بود. کشیشان زاهد و آنهایی که به دیانت و صلاح معروف بودند، به بالین او می آمدند و برای وی دعا می کردند. ولی همه این اقدامات بی ثمر بود. در آن زمان، به دلیل گسترش اسلام و فتوحات مسلمانان که از سال نوزده هجری شروع شده بود (۱)، پیوسته بین رومیان و مسلمانان نبرد بود و گاهی از دو طرف اسیر هم می گرفتند و چون رسم بود که برای برآورده شدن نیاز و حاجت، افزون بر دستگیری مستمندان، به اسیران نیز ملاحظت کنند، به همین جهت، ملیکا از پدر بزرگش خواست که قدری به اسیران مسلمان آسان بگیرد تا مسیح (ع) و مریم مقدس (علیها السلام) به برکت این اقدام، به او عنایتی کنند.

قیصر از این پیشنهاد خوشحال شد و استقبال کرد. چندی بعد، اوضاع روحی و جسمی ملیکا بهتر شد و میل به غذا پیدا کرد.

در شبی دیگر، بانوی باشکوهی را در خواب دید

۱- پس از ورود مسلمانان به شامات که جزو سرزمین های وابسته به روم بود، عملاً روم با حاکمیت اسلامی هم مرز شد؛ برخی از این مناطق عبارت اند از: سوریه، اردن، لبنان امروزی و برخی سرزمین های پیرامون آن.

ص: ۷۴

که حوریان بهشتی دورش را گرفته بودند و نور چهره اش، محیط پیرامون را روشن کرده بود. ملیکا از خود می پرسید این بانو کیست که ناگاه متوجه شد مریم مقدس (علیها السلام) در حال خدمتگزاری به اوست! مریم مقدس (علیها السلام) نگاهی به ملیکا انداخت و فرمود: «این بانوی یگانه عالم، فاطمه دختر رسول اعظم اسلام و مادر همسر توست».

ملیکا با شنیدن این مطالب، نزد فاطمه (علیها السلام) شتافت و سر بر کف او و دامنش نهاد و به شدت گریست. وی با خطاب کردن به فاطمه به عنوان مادر، از غم فراق همسر، نالید. فاطمه (علیها السلام)، با نگاه رحمانی خویش، صورت زیبای عروسش را نظاره کرد و درحالی که قطرات اشک او را پاک می کرد، فرمود: «ابتدا بایستی به آیین اسلام مشرف شوی».

آن گاه کلمه شهادتین از زبان صدیقه کبری جاری شد و ملیکا، همان کلمات را به زیبایی ادا کرد. ملیکا خود می گوید:

وقتی آن کلمات را گفتم، بانوی یگانه اسلام، مرا به سینه خویش فشرد و به من بشارت داد که به زودی به

فرزندم ابومحمد (حسن عسکری) ملحق خواهی شد.

و این بشارتی بزرگ برای ملیکا بود.

ص: ۷۵

حدیث و صلت

یکی از یاران باوفای امام هادی (ع) به نام بشر بن سلیمان گوید:

شبی در منزل خویش و به اتفاق خانواده ام به سر می بردم که در منزل به صدا درآمد. وقتی در را گشودم، کافور، خادم امام علی النقی (ع) را دیدم. به من سلام کرد. پاسخ دادم. او حاوی پیغامی از سوی امام بود. به من گفت: «امام تو را احضار کرده است!»

من با تعجب از اینکه در آن وقت شب، چه موضوعی پیش آمده، به سرعت لباس پوشیده و آماده حرکت به سوی خانه امام شدم. در مسیر منزل آن حضرت، مدام فکر مشغول بود؛ آن قدر که نفهمیدم چه موقع به منزل رسیدم. [محلّه عسکر در سامراء، زیر نظر جاسوسان حکومت بود. ولی این

ص: ۷۶

مسئله مانع از آن نبود که یاران امام هادی (ع) و سپس امام عسکری (ع) نتوانند ایشان را ملاقات کنند.]

بشر در ادامه می گوید:

وقتی که وارد منزل امام هادی (ع) شدم، فرزندش حسن عسکری (ع) و خواهرش حکیمه (ع) در خدمتش بودند. امام دستور داد که بنشینم. پس از عرض سلام و ادب و بوسیدن دست آن بزرگواران، سراپاگوش در محضرشان نشستم. ترنم زیبا و دل انگیز صدای امام سکوت مجلس را شکست. حضرت فرمود: «ای بشر، تو از اولاد ابو ایوب انصاری هستی و رشته محبت و ولایت ما خاندان، مدام در پدران جریان داشته است. بنابراین، امشب رازی از اسرار خودمان را به تو نمایان کرده و مأموریتی مهم را به تو واگذار خواهم کرد!»

سپس حضرت نامه ای نوشته و همراه کیسه ای پول در اختیار من قرار داد و فرمود: «این نامه ای است به زبان رومی و این کیسه، حاوی ۲۲۰ دینار زر است. اینها را بردار و به بغداد برو. در صبح روزی که برایت خواهم گفت، یک کشتی کوچک در ساحل دجله آرام می گیرد و فردی که به همراهش چند کنیز و اسیر رومی است، در آنجا پیاده شده،

ص: ۷۷

آنها را در محل معینی حاضر خواهد کرد. نام آن مرد برده فروش عمرو بن یزید است. در میان کنیزانی که همراه اوست، دوشیزه ای در هیئت و شکل کنیزان، دو جامه حریر به تن دارد که از نگاه دیگران، حتی صورت خویش را نیز پوشیده و پنهان داشته است. عده ای که طالب او هستند، پیشنهاد خرید او را می دهند، ولی او ابا می کند. فردی فریاد خواهد زد: من او را به سیصد دینار زر خالص می خرم و درحالی که صاحبش مایل به این معامله است، او خواهد گفت: اگر تو در زی و هیئت سلیمان بن داود نبی بوده، بر تخت او قرار گیری نیز به این کار رغبتی ندارم؛ پس مال خویش را تلف نکن! در آن وقت صاحب او به وی خواهد گفت: پس من با تو چه کنم که به هیچ کس راضی نمی شوی؟! پس ای بشر، در آن هنگام به طرف صاحب کنیز برو و بگو: من نامه یکی از بزرگان که به زبان رومی نوشته را همراه دارم. به کنیز خود بده و اگر خواند و مایل بود، او را با من همراه کرده و به من بفروش؛ زیرا من وکیل صاحب نامه و پول ها هستم. آن گاه نام خویش را بگو. (۱)

۱- کمال الدین، صص ۴۱۷-۴۱۹؛ الغیبه، ص ۲۱۰.

ص: ۷۸

بشر با گرفتن نامه و کیسه زر و با بوسیدن دست امام، از محضر آن حضرت مرخص و عازم بغداد شد. وی به همان گونه که امام فرموده بود، در محل معین حاضر شد و دقیقاً همان مطالبی که امام فرموده بود را مشاهده کرد و هنگامی که نامه را به صاحب کنیز داد، او که زبان رومی نمی دانست، نامه را به ملیکا سپرد. شاید امام با نوشتن نامه به زبان رومی، خواسته بود که کسی از محتوای آن آگاه نشود و این ماجرای تاریخ ساز که زمینه ساز تولد مهدی موعود (عج) است، پنهان بماند. حتی خود بشر نیز از تمام ماجرا بی خبر بود. وقتی چشم ملیکا به نامه افتاد و آن را خواند، به گریه افتاد و به عمرو بن یزید گفت: «مرا به صاحب این نامه بفروش. به خدا اگر چنین نکنی، خود را هلاک خواهی کرد!»

بشر می گوید:

صاحب کنیز به مبلغ ۲۲۰ دینار راضی شد و من عیناً همان مبلغ را در اختیار او قرار دادم و فرموده مولایم تحقق یافت. سپس آن دوشیزه پاک سیرت با من به راه افتاد. برای اینکه مأموریتم را درست انجام دهم، ابتدا به منزلی رفتیم که پیش تر با آنجا آشنا بودم تا با بررسی اینکه خطری از سوی مأموران و

ص: ۷۹

جاسوسان حکومت متوجه مأموریتیم نیست، امانت را به صاحب اصلی برسانم. وقتی که در منزل موعود وارد شدیم، از اینکه چگونه آن دوشیزه، با اینکه صاحب نامه را نمی‌شناخت، از دیدن خط وی به گریه افتاد، تعجب کردم و تعجب بیشترم از این بود که او با وجود ملیت و اصالت رومی، چگونه به عربی تکلم می‌کرد. وقتی این موضوع را پرسیدم، چون می‌دانست که من محرم راز صاحب نامه هستم، ماجرای خویش را بیان کرد و در انتها فرمود: «وقتی که اولین بار، در خواب خویش به محضر بانوی بزرگ اسلام و عالم، حضرت فاطمه (علیها السلام) مشرف شده و شهادتین خویش را با کلمات گهربار او گفتم، وی به من مژده داد که به زودی ایام هجران به سر خواهد رسید؛ با همین آرزو مدتی به سر بردم تا اینکه شبی در خواب به من فرمود: به زودی نبردی بین مسلمانان و رومیان روی خواهد داد؛ خود را در شکل کنیزان به مسلمانان نزدیک کن تا اسیر شوی. آن گاه توسط فردی به مقصود خویش خواهی رسید. من نیز همان کردم و توانستم با زحمت از قصر بیرون آمده، خود را به منطقه نبرد برسانم. هنگامی که به اسارت درآمدم، از هویت خویش چیزی بر صاحبم که

ص: ۸۰

پیرمردی عرب بود، نگفتم تا بقیه ماجرا که دیدی. امّا اینکه به زبان عربی تکلم می‌کنم، به این دلیل است که به جهت ارتباطات دربار پدر بزرگم، قیصر، با مسلمانان، آموختن زبان عربی، مطلبی رایج بود و من نیز به همین شکل، آموختم و محتوای نامه مولایت، همان بود که در رؤیای خویش دیده بودم».

اعتقاد بشر با شنیدن این مطالب که درباره کرامت امام و مقتدای خویش بود، راسخ تر شد و توانست پس از چند روز، ملیکا را به سامرا برساند.

ص: ۸۱

پایان انتظار

بشر بن سلیمان نقل می کند که به همراه نرجس (علیها السلام) به حضور مولایم، حضرت هادی (ع) رسیدیم. وقتی نگاه نرجس (علیها السلام) به امام هادی (ع) افتاد، با محبت تمام به آن حضرت سلام و عرض ادب کرد. امام با ملاطفت پدرانۀ خویش پاسخ سلام نرجس (علیها السلام) را داد و به او فرمود:

دخترم، مشاهده کردی که چگونه، حق تعالی عزت اسلام را بر آیین مسیحیت و شرافت محمد (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) او را نمایان ساخت؟

نرجس (علیها السلام) با خوشحالی عرض کرد:

«آری ای وصی پیامبر، همین طور است که می فرمایی. اما من چگونه بتوانم چیزی را وصف کنم که خود به آن داناتری؟!»

در آن ساعت زنان خانه امام هادی (مادر و همسر

ص: ۸۲

وی) از نرجس (علیها السلام) استقبال کرده، و او را در آغوش محبت خویش گرامی داشتند. امام هادی (ع)، ساعتی بعد، رو به نرجس (علیها السلام) کرد و فرمود:

من برای اکرام تو و به یمن قدومت، یکی از دو چیز را بر تو عرضه می کنم. هر کدام را که خواهی برگزین؛ یا ده هزار دینار به تو بدهم، یا اینکه به شرف ابدی بشارتت دهم!

نرجس (علیها السلام) عرض کرد: «بلکه من به شرافت ابدی مایلیم!».

حضرت فرمود:

تو را بشارت می دهم به فرزندی که مالک شرق و غرب عالم شده و جهان را به عدل و داد رهنمون شود؛ همان طور که از ستم و بیداد پُر شده باشد.

نرجس (علیها السلام) پرسید: «پدر این مولود کیست؟» امام فرمود: «همان که پیامبر اسلام، تو را برای او خواستگاری کرد.».

آن گاه پرسید: «دخترم، تو را مسیح و وصی او شمعون به عقد چه کسی در آوردند؟» نرجس (علیها السلام) با حُجب و حیاء پاسخ داد: «به عقد فرزند شما ابومحمد!» امام فرمود: «آیا اگر او را ببینی، می شناسی؟» نرجس (علیها السلام) پاسخ داد:

ص: ۸۳

از همان شبی که به دست بهترین زنان و بانوان عالم، فاطمه (علیها السلام) به اسلام گرویدم، او هر شب به خواب من می آمد. پس چگونه می شود که او را نشناسم؟! (۱)

پس از این سخنان، امام عسکری (ع) با صورت نجیب و نورانی اش وارد اتاق شد. امام عسکری با اشاره پدر بزرگوارش در کنار نرجس (علیها السلام) نشست. آری، امام عسکری (ع) همچون پدر دانست که این دوشیزه مکرمه مادر مهدی موعود (عج) خواهد بود.

در آن هنگام حکیمه (علیها السلام) خواهر امام هادی (ع) ، به امر امام وارد اطاق شد. حکیمه (علیها السلام) از زنان با فضیلت، دارای ملکات اخلاقی، دانا به معارف دین و تربیت شده دو امام معصوم (ع) ، یعنی پدرش امام جواد (ع) و برادرش امام هادی (ع) بود. وی به دلیل همین امتیازات، ویژگی هایی داشت که دیگر همسران اهل بیت (علیهم السلام) ، در دوره امام هادی (ع) نداشتند. (۲)

حکیمه (علیها السلام) مأموریت داشت که قبل از شروع زندگی مشترک نرجس (علیها السلام) با برادرزاده اش، معارف

۱- کمال الدین، ص ۴۲۳؛ الغیبه، ص ۲۱۰.

۲- به همین مناسبت در ولادت امام مهدی [، حضور داشت؛ کمال الدین، ص ۴۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۲.

ص: ۸۴

دین و دستورات الهی اسلام را به نرجس (علیها السلام) بیاموزد. وقتی که حکیمه (علیها السلام) ، وارد منزل برادر شد، امام هادی (ع) به او فرمود: «خواهر جان، این همان مهمانی بود که منتظر ورودش بودیم». حکیمه به سمت این دوشیزه رومی رفت، دست در گردنش انداخت و تا مدتی او را نوازش کرد و بوسید. (۱)

از این رفتارها معلوم می شود که امام، اسراری را در خصوص نرجس (علیها السلام) به حکیمه (علیها السلام) بیان کرده بود.

۱- بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۰.

وصال سرنوشت ساز

مدتی از همنشینی شبانه روزی حکیمه (علیها السلام) با نرجس (علیها السلام) می گذشت. در آن زمان کوتاه، حکیمه (علیها السلام) به امر امام هادی (ع) دستورات و تکالیف شرع را به نرجس (علیها السلام) آموخت و بالأخره، در شبی مبارک، زندگی مشترک نرجس (علیها السلام) با امام عسکری (ع) آغاز شد.

هنوز مدتی از ازدواج ملکوتی این دو نگذشته بود که امام هادی (ع) در زمان معتز عباسی (۲۵۲-۲۵۵ ه. ق) و به دست کارگزاران او به شهادت رسید. (۱) شهادت آن حضرت در سوّم رجب سال ۲۵۴ ه. ق، اتفاق افتاد. از همین زمان، دوران امامت حضرت امام حسن عسکری (ع) آغاز شد. وی در مدّت امامت خویش، افزون بر معتز، با دو خلیفه دیگر، یعنی

۱- دولت عباسیان، محمدسهیل طقوش، ص ۲۲۸.

ص: ۸۶

مهدی (۲۵۵ - ۲۵۶ ه. ق) و معتمد (۲۵۶ - ۲۷۹ ه. ق) معاصر بود. (۱)

فشار و کنترل سختی بر آن حضرت و خانواده اش، در این ایام وارد می شد. این اقدامات و سخت گیری حاکمیت، به ویژه در طول دوران معتمد عباسی را نمی توان بی تأثیر از مسئله مهدویت دانست؛ زیرا حدیثی رایج و شایع بین علما و راویان از پیامبر (ص) نقل می شد که آن حضرت فرموده بود:

همانا مهدی، همان من و شبیه ترین مردم به من خواهد بود و او دارای غیبت طولانی و از انظار مخفی بوده و بعد از دوره غیبت، جهان را از عدل و داد پُر خواهد کرد؛ همان گونه که از ستم مملو شده است. (۲)

احادیث دیگری نیز از آن حضرت، حاکی از آن بود که مهدی، نهمین فرزند امام حسین (ع) است (۳) و

۱- دولت عباسیان، ص ۱۸۱.

۲- پیامبر اکرم ۹ فرمود: «المهدی من ولدی، اسمه اسمی و کنیته کنیتی، أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً تكون له غیبه و حیره تضلّ فیها الامم. . . یملاها عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً»؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۴۱؛ الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۴۳؛ الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۶۲.

۳- این روایات از طریق شیعه فراوان و از طریق اهل سنت، دست کم چهل روایت داریم که از طرف خودشان توثیق شده است.

ص: ۸۷

مطابق محاسبه عادی که خلفای عباسی از زبان علمای دربار خویش داشتند، وی فرزند امام عسکری (ع) می‌توانست باشد و به همین دلیل، نهایت سخت‌گیری را برای شناسایی و از بین بردن او داشتند.

ص: ۸۹

شب موعود

سرانجام شبی که وعده بزرگ حق تعالی بایستی محقق شود، فرا رسید. آن شب، نیمه شعبان بود؛ شبی که نزد مسلمانان پر خیر و برکت محسوب می شده است. (۱) در این شب، مولودی متولد می شد که شیوه تولدش مانند حضرت ابراهیم و حضرت موسی (علیهم السلام) بود، یعنی تا پیش از تولد، آثار حمل در مادر ایشان مشهود نبود. مشیت الهی بر این بود که به این صورت جان حجت باهره خویش حفظ شود و این همان معنایی است که بایستی آن حضرت، نشان و شباهتی به همه انبیا داشته باشد.

۱- در عظمت این شب، احادیث بسیار مهمی از پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده و مقرون به اعمال مهمی، مانند احیاء، زیارت سید الشهداء (ع) و... است. روزه نیمه آن بسیار فضیلت داشته و نزد عامه نیز بسیار مورد توجه است.

حکیمه خاتون (علیها السلام) ماجرای ولادت او را این چنین نقل می کند:

ایام ماه شعبان، رفت و آمد بیشتری به منزل امام و برادرزاده ام داشتم. شب نیمه شعبان فرا رسید. وقتی نزدیکی های غروب و با زبان روزه، عزم بازگشت به منزل کردم، امام عسکری (ع) ، به من فرمود: «عمه جان، امشب افطار نزد ما بمان که واقعه مهم در همین امشب خواهد بود». من با تعجب فراوان، به نرجس (علیها السلام) نگاه کردم. حیرتم از آن بود که هیچ آثار حمل بر وی نبود. ولی یقین داشتم که سخن حجت خداوند متعال حق است. به همین جهت و با اشتیاق فراوان، آن شب را در خانه امام خویش ماندم. پس از ادای فریضه مغرب و صرف افطار، بیشتر شب را با نرجس (علیها السلام) گذرانده و چشم از او برنمی داشتم. آن شب محل استراحت خویش را کنار آن بانوی محترم گستردم. بعد از ساعتی استراحت، برای تهجد و نماز شب برخاستم. بعد از اتمام هر دو رکعت از نماز شب، به سوی نرجس (علیها السلام) که او نیز مشغول تهجد بود، می نگریستم. او هم با محبت به من نگاه می کرد. کم کم به لحظات فجر نزدیک شدیم. تا اینکه در انتهای نماز وتر، در دلم حالتی پیش آمد که نکند، تبدیل و تغییری پیش

آمده باشد که ناگاه صدای ملکوتی امام را شنیدم که می فرمود: «عمه جان در وعده حق تعالی تردید نکن که وقت موعود نزدیک شده است!». (۱)

در همان زمان بین من و نرجس (علیها السلام) گویی حائلی به وجود آمد و اطاق را نور فراوانی فراگرفت که مانع از آن می شد تا پیرامون خود را ببینم. درحالی که متعجب بودم و حال عجیبی داشتم، ناگاه چشمم به نور عادت کرد و نرجس (علیها السلام) را دیدم که به سمت مولودی مبارک می نگرده. نمی دانم چگونه خود را به مولود رساندم. رخسار زیبایش چنان مرا به وجد آورده بود که از خود بی خود شده بودم. ناگاه صورت زیبا و دلربایش که با زبان بسیار فصیح این آیه را می خواند و نُریدُ أَنْ نُریدُ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الدِّینِ اسْتَضُّعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۲)، وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۳)، مرا به خود آورد. لحظاتی بعد، درحالی که به سجده رفته بود، صدای امامم را

-
- ۱- «یا عمه لا تشکی فی امر الله»؛ کمال الدین، ص ۴۲۴؛ مدینه المعاجز، ج ۸، ص ۱۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۵۵؛ الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، ص ۱۵۲.
- ۲- «و ما اراده کردیم که بر مستضعفین عالم منت گذارده و ایشان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم». (قصص: ۵)
- ۳- «بگو حق آمد و باطل نابود شد که همانا باطل نابود شدنی است»، (اسراء: ۸۰).

ص: ۹۲

شنیدم که می فرمود: «عمه جان، فرزندم را نزد من بیاور». (۱)

من نوزاد را به سمت پدر بردم. امام عسکری (ع) دل‌بندش را در آغوش گرفت و برایش اذان و اقامه خواند. او را بوید و بوسید و در حالی که با نگاه محبت آمیز به فرزندش می نگریست، او را به من بازگرداند تا به مادرش برسانم. (۲)

از همان اوان تولد تا شهادت امام عسکری، یعنی از نیمه شعبان ۲۵۵ هـ. ق تا هشتم ربیع الاول ۲۶۰ هـ. ق، تنها چند نفر از یاران خاص امام عسکری (ع)، مانند احمد بن اسحاق، یعقوب بن منقوش، عمرو الاهوازی، محمد بن عثمان عمروی و... بودند که موفق به زیارت وی شدند.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۴؛ مدینه المعجز، ج ۸، ص ۱۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۵۵؛ الثاقب فی المناقب، ص ۱۵۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۵.

ص: ۹۳

حدیث هجران

حدود شش سال از زندگی نورانی و سراسر مهر و محبت امام عسکری (ع) با نرجس (علیها السلام) از زمان تولد فرزندشان می گذشت. در این مدت، ولادت حضرت مهدی (عج)، گرمی بخش دل پدر و مادر بود. اما سعی وافر کارگزاران معتمد عباسی برای یافتن وی، عرصه را بر ایشان تنگ کرده بود. اما به خواست حق تعالی جاسوسان معتمد نمی توانستند، بر امام دست یابند. عاقبت تدبیر آنها بر به شهادت رساندن امام عسکری (ع) استوار شده بود و این مسئله بعد از ایامی بود که «صالح بن وُصیف»، گماشته خلافت، امام را تحت نظر داشت. (۱)

روزی که زهر جفای معتمد عباسی به وجود

۱- اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۴۱؛ فصول المهمه، ص ۳۷۵.

ص: ۹۴

نازنین امام عسکری (ع) سرایت کرد، مادر بزرگوارش حضرت حدیث (علیها السلام) و همسرش نرجس (علیها السلام) با اضطراب فوق العاده ای در کنارش بودند. همسر امام، جوشاننده ای را حاضر کرد و امام با توجه به تأثیر زهر بر پیکر مبارکش، شخصاً نتوانست از ظرف بیاشامد و به خدمتکارش «عقید» دستور داد که فرزندش مهدی را حاضر کند. دلبنده امام عسکری (ع) و نرجس (علیها السلام)، درحالی که چهره اش چون قرص ماه می درخشید وارد اطاق شد و آن ظرف را نزدیک لب های پدر برد و درحالی که امام به چهره زیبای او می نگریست، فرمود: «تو فرزند و جانشین من و آخرین وصی پیامبر خاتم هستی که به آمدنت بشارت داده است». (۱)

سپس آن امام همام جان به جان آفرین تسلیم کرد. پس از شهادت امام عسکری (ع) دیری نپایید که روح قدسی حضرت نرجس خاتون به سوی خداوند پرواز نمود. (۲) پیکر مطهر این بانوی با عظمت، به امر امام در کنار مزار همسرش حضرت عسکری دفن گردید. آن

۱- کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۶.

۲- برخی روایات حاکی از این است که نرجس (علیها السلام)، قبل از شهادت امام عسکری (ع) از دنیا رفته است، ولی روایاتی نیز مؤید مطالب ذکر شده است. از روایات دال بر مطلب اول، مستدرک سفینه البحار، نمازی شاهرودی، ج ۱۰، ص ۱۲۴ است.

ص: ۹۵

حضرت در زیارت، صدیقه، مرضیه، تقیه، نقیه، طاهره، عارفه، مؤمنه و مستبصره (۱) نامیده شده است که همگی حاکی از اوج تعالی روحی آن بانوست.

وَالسَّلَامُ عَلَيْهَا يَوْمَ وُلِدَتْ و يَوْمَ مَاتَتْ و يَوْمَ تَبِعَتْ حَيًّا.

۱- از زیارتنامه آن بزرگوار، کتاب مصباح الزائر، سید بن طاووس، ص ۴۱۳؛ نقل از کتاب نرگس (علیها السلام) همدم خورشید، محمدباقر پورامینی از مجموعه مادران نمونه، همان، ص ۶۴۳.

ص: ۹۷

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، تحقیق: محمدباقر الخراسان، بیروت، دارالنعمان، بی تا.
۲. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، قم، آل البيت لاحیاء التراث، بی تا.
۳. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید، قم، مکتبه بصیرتی.
۴. اصول کافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه. ق.
۵. اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن الحسن طبرسی، قم، نشر آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۷ ه. ق.
۶. اقبال الاعمال، رضی الدین سید بن طاووس، تحقیق: قیومی اصفهانی، قم، اعلام الاسلامیه، ۱۴۱۶ ه. ق.
۷. الانوار البهیة، شیخ عباس قمی، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ه. ق.

ص: ۹۸

بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، چاپ چهارم، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳. ق.

۹. بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد (ص)، محمد بن حسن صفار، تحقیق: حاج میرزا کوچه باغی، تهران، منشورات اعلمی، ۱۳۶۲. ش.

۱۰. تاریخ موالید الائمة، حافظ نصر خشاب بغدادی، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۶. ق.

۱۱. الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، انصاریان، قم، ۱۳۸۶. ش.

۱۲. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹. ق.

۱۳. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی، قم، الامام الهادی، بی تا.

۱۴. الدروس الشرعیه، محمد بن علی جبل عاملی (شهید اول)، چاپ اول، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۱۴. ق.

۱۵. دلائل الامامه، محمد بن جریر رستم طبری الامامی، چاپ اول، قم، بعثت، ۱۴۱۳. ق.

۱۶. دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، ترجمه: محمود جودکی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵. ش.

۱۷. الذکری، محمد بن علی جبل عاملی (شهید اول)، نسخه خطی کرمانی، ۱۲۷۲. ق.

۱۸. سر السلسله العلویه، ابونصر بخاری، چاپ اول، قم، شریف رضی، ۱۴۱۳. ق.

۱۹. شرح اصول کافی، مولی صالح مازندرانی، بی تا، بی جا.

۲۰. الصحاح تاج اللغه، اسماعیل بن حماد الجوهری، تحقیق:

عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷. ق.

.۲۱

ص: ۹۹

طرائف المقال، سیدعلی اصغر چابلقی، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، نشر مرعشی، ۱۴۱۰ه. ق.

۲۲. عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبہ، تحقیق: محمدحسن الطالقانی، چاپ سوم، نجف اشرف، مکتبه حیدریه، ۱۳۸۰ه. ق.

۲۳. عیون اخبار الرضا (ع)، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، چاپ اول، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۴ه. ق.

۲۴. عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، حیدریه، نجف ۱۳۶۹ه. ق.

۲۵. الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ه. ق.

۲۶. الغیبه، محمد بن حسن طوسی، چاپ اول، معارف اسلامیه، ۱۴۱۱ه. ق.

۲۷. فرهنگ زیارت، جواد محدثی، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ه. ش.

۲۸. الفصول العشره، شیخ مفید، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ه. ق.

۲۹. الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۱ه. ق.

۳۰. قیام سبزجامگان، بهاءالدین قهرمانی نژاد شائق، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ه. ش.

۳۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، اسلامیه.

۳۲. کشف الغمّه فی معرفه الائمه (علیهم السلام)، علی بن عیسی اربلی، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ه. ق.

۳۳. کفایه الاثر، ابن خزاز قمی، قم، نشر بیدار، ۱۴۰۱ه. ق.

۳۴. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹ه. ق.

۳۵. لسان المیزان، ابن منظور زبیدی، بیروت، بی تا.

۳۶

ص: ۱۰۰

- مثیر الاحزان، ابن نما الحلّی، نجف اشرف، مکتبه حیدریه، ۱۳۶۹ه. ق.
۳۷. المجدی فی انساب الطالبین، علی بن محمد علوی نسابه، چاپ اول، قم، مکتبه مرعشی، ۱۴۰۹ه. ق.
۳۸. مدینه المعاجز، سیدهاشم بحرانی، تحقیق: گروهی به اشراف تهرانی میانجی، چاپ اول، معارف اسلامیه، ۱۴۱۵ه. ق.
۳۹. المزار الکبیر، محمد المشهدی، تحقیق: محمدجواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، قم، اسلامیه، ۱۴۱۹ه. ق.
۴۰. مستدرک سفینه البحار، شیخ علی نمازی شاهرودی، قم، جامعه مدرسین.
۴۱. المسند، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، بی تا.
۴۲. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ترجمه: حکیم الهی قمشه ای، چاپ چهارم، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۳ه. ش.
۴۳. مناقب آل ابی طالب (ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، نجف اشرف، مکتبه حیدریه، ۱۳۷۶ه. ق.
۴۴. مناقب آل ابی طالب (ع)، محمد علی بن شهر آشوب مازندرانی، قم، نشر علامه.
۴۵. موسوعه الامام الجواد، ابوالقاسم خزعلی، کار گروهی، چاپ اول، قم، مؤسسه ولی عصر، ۱۴۱۹ه. ق.
۴۶. موسوعه کلمات الامام الجواد (ع)، گروه حدیث پژوهشکده علمی و کاربردی باقرالعلوم، قم، نور السجاد (ع)، بی تا.
۴۷. نرگس، محمدباقر پورامینی، همدان خورشید، از مجموعه مادران نمونه، قم، نور السجاد (ع).
۴۸. نقد الرجال، سید مصطفی تفرشی، قم، آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ه. ق.

ص: ۱۰۱

۴۹. الهدایه الکبری، ابوالحسن بن حمدان خصیبی، چاپ چهارم، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۱ ه. ق.

۵۰. وفيات الاثمه، گروهی از علمای قطیف، چاپ اول، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۲ ه. ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

